

امپراطوری نومرگانلیستی در آمریکای لاتین

بخش دوم
تعمیم و تثبیت
سلطه ایالات متحده
جیمز پتراس
بابک پاکزاد

در برخورد با رقابت سخت و دشوار آسیا و اروپا، و تراز تجاری منفی، دولت پش تصمیم گرفت تا کنترل خویش بر آمریکای لاتین را تحکیم و تعمق بخشد. تحت مدیریت کابین واشینگتن امپراطوری اش را در چهار گوشه دنیا گسترده و شرکتهای چند ملیتی آمریکایی برتری چندملیتی کسب کردند. اما اقتصاد ملی ایالات متحده - یعنی صادرات به و واردات از خلعرو اقتصادی ایالات متحده - همانطور که در کسری تجاری رشد پاینده مشاهده می شود با کاهش نسبی مواجه بود. تنها منطقه ای که ایالات متحده هنوز در آن از یک تراز پرخاشی مطلوب برخوردار بود آمریکای لاتین بود. این منطقه همچنین ناحیه ای محسوب می شد که در آن ایالات متحده از کنترل تاریخی ارتش و پلیس محلی برخوردار بود. بر اثر تأثیرگذاری بر اقتصاد ادامه داشت. اما در خلال دهه ۹۰ میلادی تثبیت رژیمهای دستنشانده و سزایز کردن سوجهای سرشار و دادن امتیازات بی شمار به ایالات متحده و خصوصی کردن شرکتهای دولتی که به نفع شرکتهای چند ملیتی آمریکایی

بودن نشانهای اقتصادی، حاکی از کاهش نسبی سلطه اقتصادی آمریکا بود. حجم تجارت مکزیک با ایالات متحده تقریباً از ۱۹۲٪ کل حجم مبادلات بازرگانی در ۱۹۹۲ به ۲۷۰٪ در ۱۹۹۸ کاهش یافت.

در حالی که MERCOSUR مازاد مستقیم تجاری سالانه ای بالغ بر ۶۶۱۶ میلیارد دلار را بین سالهای ۹۹-۱۹۹۱ از آن خود کرده بود. «پروندههای خدماتی» - پروندههای بدنه ها و کاهش سود ناشی از پرداختهای مربوط به حق امتیازها - منجر به کسری مستقیم سالانه ای بالغ بر ۸۶۷۵ میلیارد دلار در خلال سالهای ۹۹-۱۹۹۱ گشتند که به کسری مستقیم سالانه ای معادل ۲۲۹ میلیارد دلار در حسابهای جاری منتهی شد. هدف استراتژیک دولت پش افزایش سهم ایالات متحده از انتفاع خدمات و به همین ترتیب سهم ایالات متحده از مبادلات تجاری MERCOSUR و معکوس کردن روند نزول نسبی ایالات متحده در دهه ۹۰.

۹۰. با توجه به رقابت فزاینده ی اروپایی ها، در حالی که کابینتن، از رژیمهای دستنشانده در بوسنی، کوزوو و مقدونیه حمایت و حفاظت می کرد، سهم تجارت ایالات متحده با MERCOSUR تقریباً ۱۹۸٪ کاهش پیدا کرد. شرکتهای و بانکهای چند ملیتی اروپایی به ویژه سرمایه های اسپانیایی سیستمهای ارتباطی، مخابرات، بانکها و شرکتهای نفتی در برزیل، آرژانتین و اسپانیا را خریداری کردند. علاوه بر این سلطه ایالات متحده در آمریکای لاتین توسط جنبش چریکی رو به گسترش در کلمبیا، دولت ملی گرای مستقل فرانسوزی و جنبشهای بوسنی - دهقانان ضد امپریالیستی در برزیل، اکوادور، بولیوی و پاراگوئه و به همین ترتیب جنبشهای شهری و اتحادیه های کارگری در آرژانتین و آرژانتین به معارضه طبیبه شد. در پاسخ به این معارضه ملی ها، واشینگتن خود را به یک استراتژی مکرر دو وجهی متوجه کرده است: منطقه آزاد تجاری آمریکای لاتین (ALCA) و همچنین برنامه کلمبیا که بدست گرفتن ابتکار عمل در میان اقوام آندی را در دستور کار دارد و هر دوی به منظور افزایش کنترل و عمق بخشیدن به ظرفیتش برای بیرون کشیدن منابع و ثرونها و انتقال آنها به آمریکا طراحی گردیده اند.



ALCA سرمایه مستقیم ریشه دکترین نیولیبرالیستی است که از سوی سیاستگذاران آمریکا و دست نشاندهان در آمریکای لاتین از اساس دهه ۷۰ به این منطقه تحمیل شد. این برنامه در حالی که از «تجارت آزاد» سخن می گوید بیشتر شبیه نظام مرکزگرایستی دوران ابعالی نظامهای امپریالیست عمل می کند. بحث پیرامون ALCA باید با شرح و بسط این نکته آغاز شود که ALCA باید با شرح و بسط ایسته اول از همه اینکه آن یک توافقنامه تجارت آزاد نیست. برنامه ای ایالات متحده اجازه دارد که ۳۰ میلیارد دلار سوسیپه به کشاورزی این کشور تخصیص دهد. همچنین قالب قانون (انس دامینگ) به منظور حمایت از صنایع اصلی، نوعی سهم بندی برای واردات در بخشهای اقتصادی در نظر گرفته شده که این اقدام اساساً غیرقابل محسوب می شود. قانون بانکی به بانکهای عده ای ایالات متحده اجازه می دهد سرمایه هایی که به صورت غیرقانونی از آمریکای لاتین کسب شده هستند کنند و همچنین محدودیتهای بیانشی که بصورت یکجانبه پیرامون آن تصمیم گیری شده منجر به کاهش واردات گله ها و دیگر محصولات گردیده است. از سوی دیگر کشورهای آمریکای لاتین

تا کثیر خواهند بود تمام موانع تجاری را از میان بردارند و خود را با نظریه تجارت آزاد منطبق کنند در نشست سران در ابالت یک هنگامی که پیروزیات گرانروز از بزرگی مسئله محدودیتهای آنتی دامینگ ایالات متحده بر صادرات فلز از بزرگی با مطرح کرد پیروزیات بیش به لوگت آبن سوشو معی و رطی به **ALCA** بنادد و باید در سازمان تجارت جهانی مطرح شود

نکته دوم این است که **ALCA** هیچ تسهیلی بی مفهوم ایجاد و یکپارچگی اقتصادی ندارد این سزاریو بیشتر به فریمه کردن مستقران به کشورهای امریکایی شباهت دارد که نهایتاً کنترل بخشهای استراتژیک اقتصاد را به دست کرگت و بر بازارها و نیروی کار احاطه پیدا کرده و نهایتاً سیاست اقتصادی خود را دیکته می کنند. مفهوم ایجاد و یکپارچگی کارایی در حکم میانه بزم کالاها و جزیان می سپوه سود، سرمایه و منابع و شرکتها و مؤسسات مشترک و در یک کلام، روابط و سود کداریش متوازن و متناسب است. این در حالی است که **ALCA** کاملاً نامتوازن و نامتناسب است. با حضور چند ملیت های امریکایی که به آسانت ادارای می گزینند یا صادرات کمینه و جزیان یک چاره سود متعلق و امتیازات را از جنوب به شمال سزاریو کرده اند این فریمه سازی، و نه ایجاد و یکپارچگی است که طبیعت **ALCA** را توضیح می دهد. به این مفهوم **ALCA** از ایجاد اروپا بسیار متفاوت است.

سود آنکه **ALCA** هیچ به چه در رقابت دائم نمی زند بلکه بیشتر شبیه به یک حصار عمل می کند یا تشبیه آلوپنیتهای تجاری در زبون بلوک تجاری، **ALCA** اروپا، ژاپن و دیگر شرکای تجاری خارج را نسوگره را به شدت تشبیه می کند و جایگاه تجاری انحصاری قدرتهای مسلط در نسوگره را بیشتر تثبیت می کند که در حقیقت همان تشبیه جایگاه ایالات متحده از طریق افزایش سود و امتیازات امریکا و کاهش طرف کشورهای امریکایی لاتین برای حفظ قیمتهای بهتر در خرید و فروش است.

نکته چهارم، محتوایتهای نام بردار در رقابت و تجارت، و به بیان دیگر جایگاه انحصاری فراوه شده از سوی **ALCA** برای ایالات متحده امریکاست که فرصت بزرگتری

برای کمپانی های امریکایی جهت حفظ شرکتها و مؤسسات خصوصی از طرف سیاسی، بجای قیمتتهای تعیین شده در بازار فراوه می کنند یکی از بحثهای بسیار مشکوک و سؤال برانگیز استدلواکوی استدلواول این است که هیچ اثرات انبوی برای تولیدات سه و دوجو ندارد که سخن گویان امریکا در **ALCA** این عبارت را نیز بر آن افزودند هیچ اثرات انبوی برای بازار و سرمایه گذاران امریکایی وجود ندارد

گذار از تولیدات سه به مرگاتیسو ایالات متحده و **ALCA** نتیجه دو عامل است. تمسوق بجزان اقتصادی ایالات متحده و رقابت فزاینده از سوی اروپا و آسیا که به کسی تراز تجاری مستسکن و ناپایدار ارضیاده است. **ALCA** حاکمیت ایالات متحده و شرکتتهای چند ملیتی را بر عرضه طلبان اروپا از طریق طرفین ایالات امریکا برای دستساری به بازارها و تجارت تثبیت کرد در مواجهه با افزایش تجارت زبون مستطالی به وسزه در **MERCOSUR** **ALCA** مداخله صادرات مستقیم از ایالات متحده در برابر تجارت از طریق شرکتتهای تازه در بازارهای مستطالی است. این امر موازن تجاری ایالات متحده را افزایش داده و در آسانت آسانت گدگان مرجه دو معنی ایالات متحده زمی مالکن شرکتتهای تازه و از معیاش به تر خواهد کرد **ALCA** در حقیقت بازگشتی است به روابط دو جزیی نامتوازن. در برابر تجارت مستطالی که در آن دولتهای مستطالی از توان ستاگره بخواهر بودند به این ترتیب بخش اعظم تجارت مستطالی نسوگره آنچه هم اکنون در **MERCOSUR** در جریان است کاهش پیدا کرده و فریمه **ALCA** خواهد شد نتیجه به سود صادرکنندگان ایالات متحده به وسزه مستطالی کشت و مستطالی تولیدکنندگان بخش خدمات تکنولوژی های اطلاعاتی، بانکداری و ... خواهد بود چرا که آن ها با قیام خواهد ساخت تا قیمتتهای مجتمعهای کشت و صنعت اروپا و لاتین و صنایع بزرگی را بشکند چند ملیتی های ایالات متحده در این کشورها از این پس بر اساس قوانین **ALCA** به حکایت خواهند پرداخت و نه قوانین کشور میزبان - بویژه در ارتباط با قوانین کار، بهداشت و آموزش، ششاد مستطالترین مستطالی این ماست که **ALCA** قوانین و دستورات ایالات متحده را در

تولیدات زعمای و مکانی مستطالی مستطالی تجارت سرمایه گذاری، بر و در بوسه زوسه های تولیدات مستطالی دیکه می کند این در معنی تجزوات گسترده در آموزش، بهداشت و روابط کار، محیط زیست و همچنین اقتصاد خواهد بود. برای مثال آموزش و پرورش و بهداشت یا پایان تحصیلی به سوسنده خصوصی می باشد و نرها به روی شرکتتهای بزرگ بهداشتی ایالات متحده برتر می شود و ششادهای بالا برای دانشگاههای دولتی در نظر گرفته خواهد شد اساساً **ALCA** سیاستتهای مرگاتیسو را از طریق تثبیت قوانین فراومی شده به سود حمایت گزینی ایالات متحده و کشیدگی بازارهای امریکایی لاتین تحصیل می کند **ALCA** در معنی پایان بخشیدن به آخرین رتد پای حاکمیت ملی و مستطالی متحده امریکایی لاتین است. این در معنی آن است که شرکتتهای چند ملیتی ایالات متحده مجبور میسند از طریق شرکتتهای تازه به امریکایی لاتین پیوند بخواهرند بلکه می ناپسند به صورت مستطالی از ایالات متحده کالا صادر کنند

ALCA گسترش مستطالی سیاستتهای استدلواول است که از سطح ملی به سطح مستطالی و از آنجا به سطح نسوگره بسط و گسترش پیدا کرده است. اگر چه تولیدات سه اجزای دیکه در ایالات متحده در تجارت امریکایی لاتین سه وسزه خصوصی کردن شرکتتهای مؤسسات خصوصی و دولتی عتال امریکایی لاتین و سرمایه های آسیایی و اروپایی نسوگره شود **ALCA** با هدف به حفاکتر رساندن مستطالی امریکا در بازارها و منابع امریکایی لاتین طراحی شده است. **ALCA** به منظور خلق در امریکایی شمالی در برابر رقابت آسیایی و اروپایی و به حد اکثر رساندن نیروی کسین طرفین اصلی و هزینه کردن آن برای دفع بحران عمیق نشوده امریکا طراحی شده است.

از طریق جذب سرمایه های خارجی از سوی ایالات متحده با آن طریق کشیدگی فعالیتتهای فزاری بی کشیدگی کارگردهای مستطالیکنندگان بانکهای ایالات متحده به ششادی بولانهی کشیدگی روی اولاند که این فعالیت از سوی سزای ایالات متحده سزاده باغ بر بیش از ۲۵ میلیارد دلار تخمین زده می شود بنابراین این منبع در خدمت جزیان بوج معنی

پس ائتلاف داخلی قرار می‌گیرد. امروز فعالیت‌های چاپخانه‌ها همان کارکرد «فشارت» و چاپول غیر قانونی، در دوران اولیه سرمایه‌داری را دارد. انحصار سرمایه از مستخدم‌ها به مرکز امپراطوری، همانگونه که استخوان حاد است، کمالات می‌کند. استراتژی غارت و چاپول نیز به یک اقتصاد جهانی تازه که فائده‌مند حجوم زیادی از پول را تولید کرده و به طرف قانون اقتصاد منتقل کند. این در معنای آن است که اقتصاد جهانی باید شبکه‌ای بوده و لاپویت نخست آن سرازیر بر کمرن پول باشد. امروز شبکه‌های جهانی پسته‌ی فعال در امر مواد مخدر، قمار، پسرود و چند میلیارد دلاری انسان و پدیده‌های به نام برده‌داری، سلجیها، به رشد بخش سازماندهی ایالات متحده از طریق ششوی پولهای کلید منجر شده است. مسئله مهم این است که نخبگان آمریکایی لاتین باید فاسد و سرری با پذیرش باقی معاندت و فعالیت‌هایشان با جنایت آمیخته شود تا جریان سرمایه به سمت شمال را چند برابر کرده و فارابی و شکاف‌ها در خدمت تأمین قدرت امپراطور باشد.

ALCA - مخالفت گسترده‌ای از اتحادیه‌های کارگری گرفته تا جنبشهای کشاورزی و حتی بخشهایی از بیوزوری ملی بویژه در سان پائولو و پروتوکنو، در ریکاردو دو سول در بوزویل را برانگیخته است. سبیری با بوزیری **ALCA** چاپخانه مستخدم بخشهای از بیوزوری را تهدید می‌کند. در حالی که این بخش از بیوزوری با کمپانی‌های چند ملیتی ایالات متحده به صورت مشترک از ملی‌سازی فولس کار و رفاه اجتماعی حمایت می‌کند.

لنجا مخالف کنترل کامل اقتصاد توسط قدرت امپریالی هستند. به همین دلیل است که کار دیو می‌ان وابستگی اقتصادی‌اش به بانکها و سرمایه‌های خارجی و وابستگی سیاسی‌اش به گروه‌های بزرگ صنعتی بوزیلی مردم و متزول است. شکایتهای کارمندی بویژه پیرامون مرکانلیسم ایالات متحده به نام «لیبرالیسم واقعی» یا گوشه‌های ناشناخته و ناشنیده مواجه می‌شود. به منظور تحقق و اجزای **ALCA** دولت یوش از حمایت دو رژیم دست نشانده برخوردار است: پوزیدنت فاکس در مکزیک و گاولو وزیر

اقتصاد در آرژانتین. هر دو رژیم همچون اسب توپا عمل می‌کنند. آرژانتین با پایین آوردن تعرفه‌ها در **MERCOSUR** به سود صادرات ایالات متحده و به ضرر بوزیل عمل کرد و وانسنگر مالی به بانکهای ایالات متحده را تعمیل بخشید. فاکس نیز با گسترش نظام ماکرواقتصادی از بیویلا تا پاناما، ارتقای ایالات متحده را به سوی جنوب گسترش داد. این دو رژیم دست نشانده بخشی از یک صحنه سیاسی دو مرحله‌ای از روایما دو جانبه بزرگتر با ایالات متحده آمریکا هستند. برین ارتباطات بوزیل در مرحله اول و بدینا لن به پیش رفتن **ALCA** در مرحله دوم مشابه تنها اثرات ممکن برای متزولی نشان او دو بازارهای جهانی بویژه بازار آمریکا.

ALCA از قبل نقدهایی را از سوی رژیم بنیادگرای نولیبرالیست شیلی برانگیخته بود. تلاش رژیم لاکوس به منظور ورود به نفتا در برابر و در مخالفت با اقدامات حمایت‌گرایانه یوش - نظم سهیمای - قرار گرفته و بر واردات اشگرهای ششاس به شدت اثر گذاشته. نسخه مرکانلیستی و شنیکتن از «تجارت آزاد» تعیین سهمیه برای محصولات کشاورزی قابل رقابت شیلی را با دسترسی آزاد به بازارها و منابع طبیعی میانه می‌کند.

در شمال برنامہ بیویلا - پانامای پوزیدنت فاکس، شامل فروش سوادورترین بخشهای اقتصاد مکزیک به بانکهای آمریکایی بود. بخشهای پیشرو در انرژی، پتروشیمی، شند، بانکها و در همین راستا، ماکویلا بویژه شدن تمام مکزیک و آمریکای مرکزی، سیتی بانک ۲/۵ میلیارد دلاری دومین بانک بزرگ مکزیک را خریداری کرد و آن را به بزرگترین بانک در کشور بدل کرد. در چین ۲۰۰۰ بانک اسپانیایی **BancoBilbao** - بانک **Grupo Financiero Bancomer** خرید و در آن زمان آن را به یک بانک پیشرو در مکزیک بدل کرد.

با ۲۷ میلیارد دلار دارایی مشترک و سرمایه مشترک ۲۲ میلیارد دلاری، سیتی گروپ در چاپخانه کنترل بخشی حیاتی از اعتبارات، سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مکزیک را قرار گرفت و در نتیجه توان شکل‌دهی به توسعه آنی مکزیک را پیدا کرد. پروژه اصلی پوزیدنت

فاکس تبدیل مکزیک به ایالات پنجاه و یکم ایالات متحده از طریق دعوت برای الحاق و تصرف بود. نقش مکزیک مستوی نیروی کار آرژون جهت استثمار در ایالات متحده و وارد کردن سرمایه به ایالات متحده جهت استثمار پس‌اندازها، منابع و شرکتها و مؤسسات دولتی در مکزیک است.

تجنگان مکزیک به عنوان یک اقلیت محدود در هرات مدبره، در شرکتها غربیتری شده از سوی خارجیان مشارکت خواهند کرد. با این حال استراتژی الحاق و ضمیمه‌سازی فاکس در تقابل با استراتژی ایالات متحده برای مستخدم‌سازی بخشهای سوادور اقتصاد قرار دارد که خواستار مالکیت بر شرکتها و مؤسسات سوادور و استثمار نیروی کار آرژون بدون متحمل شدن هزینه‌های اجتماعی ناشی تربیت و آموزش نیروی کار و با هزینه کردن برای سرکوب ناراضیان است. تحت این شعاع، برنامه بیویلا - پانامای فاکس شامل به تعلیق در آوردن فولس کار و مزیای اجتماعی (به سبک ماکرواقتصاد)، سرمایه‌گذاری حجیم دولت مکزیک در فراساخترها (جاده‌ها، بندرها و...) است. حتی به فاکس پیشنهاد شده که بهای مستخدم‌سازی ایالات متحده و با الحاق این بازده درصدی مالیات به مواد غذایی، داروها و دیگر اقلام مصرفی بپردازد.

ALCA و برنامه کلیما

به منظور دفاع از موقعیت مسلط و تعمیق و گسترش آن از طریق **ALCA** - نشانگتن درگیر بر پاسازی یک امپراطوری نظامی گسترده است تا سیاست آمریکایی لاتین را سلبتاریزه کند. برنامه کلیما - ابتکار عمل آندی، تنها بزرگترین و اشکارترین وجوه دفاع از امپراطوری محسوب می‌شود. اگر بازارهای بوزیل، مکزیک و آرژانتین، محور استراتژی **ALCA** محسوب می‌شوند، کلیما، کادور و پروتولا اهداف سیاسی برنامه کلیما - ابتکار عمل آندی را تشکیل می‌دهند.

واشینگتن جنبشهای مردمی و حرکتی چریکی در کلیما را تهدیدی جدی برای امپراطوری خویش در آمریکای لاتین محسوب می‌کند. پیروزی نیروهای مردمی در کلیما به تأسیس یک نظام آتراناتیو اجتماعی - اقتصادی

در برابر الگوی نئولیبرالی آمریکا خواهد انجامید. علاوه بر این، نیروی، به کشورهای همسایه با نشان دادن اینکه مبارزات نبردانی می تواند بر امپراطوری نقشه کند، برای بهره کردن زنجیره های قومیت ایالات متحده جرأت می بخشد. علاوه بر این، کلیسای فزونی نقشه گاز، کشاورزی، صنعت و ۴۰ میلیون سکه است که ظرفیت لازم برای مقابله در برابر فشارهای اقتصادی ایالات متحده را داراست. و نهایت اینکه اختلاف گوناگون و نژودلان - کلیسای به یک نیروی اقتصادی - سیاسی - نظامی، هواناکی، پل خواهد شد که توانایی مقابله در برابر تهاجمات امپریالیستی و کمک به دیگر کشورهای متعلقه که درصدد حرکت در جهت تحولات اجتماعی هستند را دارد. بنا به تمام این دلایل واشینگتن ۱۸ میلیارد دلار و چند صد افسر نظامی و حمایت لجستیکی حیاتی را به مقابله با این امر اختصاص داده و همزمان از اختلافی پنهان با جوفه های مرگ (شبه نظامیان) برخوردار است تا مبعوث میلیتاریا روستایی و کشاورز را که تصور می شود پایگاه اصلی حمایت از چریکها هستند با خاک یکسان و آنها را از پا بردار کند. - نیروی ایالات متحده در مزارع، اجساد و جنس و تروار از طریق شبه نظامیان و مزیست هوایی یا بهره گیری از تجهیزات فوق صوتی، ابزارهای کذبی استراتژی نظامی واشینگتن برای حفظ دولت دست نشاندهی یا سرانجام است. اگر برنامه جنگی مورد حمایت آمریکا در کلیسای به پیش رانده شود، می تواند دامنگیر بیرونی، اکوادور و بخشهای شمالی برونیز نیز گردد و آنها را نیز از پا بردار کند. واشینگتن از طریق سیاست استعمار جنسی آدی که کمکهای نظامی ایالات متحده و مشاورش را در این کشورها، عراق، سوریه، سرنگ جنبشهای توحیدی، نظیر جنبش کشاورزان بومی (CONAE) در آرگنتائین، اکوادور، افزایش داده، برنامه نظامی گروایاناش را گسترش داده است.

یکی از بخشهای امپراطوری نظامی جدید ایجاد پایگاههای نظامی ایالات متحده در اکوادور، السالوادور و پرو است. واشینگتن حریف هوایی پیش از این امریکای شمالی، جنوب مرکزی و همچنین امریکای مرکزی را مستعمره خویش ساخته است و با تجاوز آشکار به حاکمیت این کشورها هواپیماهای جاسوسی

نظامی اش را در این مناطق آزادانه به پرواز درمی آورد. همچنین به شیوه مشابهی، عملیاتهای نظامی ایالات متحده به شکل منظم در گنار، رودخانه های کلیسای و پرو و در حاشیه ساحل مکزیک تا پرو انجام می شود. علاوه بر برنامه کلیسای، واشینگتن در کشورهای امریکای لاتین و در نزدیکی آشکار به قلمنت کشورها، مکرر اقدام به تخریبهای مشترک نظامی کرده و افسران امریکای لاتین را شکنجه و برای هر گونه از جنگهای زمینی تربیت می کند. افزایش وسیع مخابره و هزینه های نظامی ایالات متحده در امریکای لاتین، گسترش شدید برنامه های آموزش نظامی، پایگاههای نظامی و مداخله مستقیم افسران نظامی ایالات متحده در صحنه درگیری ها و سیردها نشان از آن دارد که واشینگتن درک کرده است که بر سایر امپراطوری مثل سور و سامان دادن به یک مهمانی برای صرف چای نیست. بنا توجه به سطح مقاومت مردمی که در برابر نئولیبرالیسم قدیم علم کرده و روشن است که تحمیل ALCIA به پتانسیل افروختن برای انقلابها منتهی خواهد شد. به همین دلیل، امریکای ALCIA را با هر چه ارتباط با برپاسازی امپراطوری نظامی ایالات متحده مورد توجه قرار داد، قوی تر شدن شدید برخاسته از ALCIA در معنای سرکوب دولتی شدیدتر در زمانی خواهد بود که مخالفتها پیش از پیش در قلوب ملی گروایان و مبارزات اجتماعی خود را بروز خواهند داد.

محدودیت های امپراطوری

امپراطوری موناکشی که در دهه گذشته سنگ بنای آن گذاشته شده با رکود ایالات متحده در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ زحمت فشار شدیدی قرار گرفته. بحران اقتصادی ایالات متحده تأثیر عمیقی بر اقتصادهای جهانی بی حسابداری آسیا و امریکای لاتین برجای گذاشت. زمانیکه بحرانها در ایالات متحده تمام رسوا شده و سرمایه های خارجی از اقتصادها را برای حفظ توان پرمداختند، بدنه هایشان و واردات کالاهای ضروری تحویل برد، به دلیل اینکه بازارهای داخلی توسط ادغام کشورها در بازارهای اروپا - امریکای تخریب شده بود، زنجیره

از ایالات متحده به سوی کشورهای جهان سوم گسترش و تعمیق یافت و به سقوط شدیدتر اقتصادی اشان دامن زد. به اختصار، کشورهایی که بیشتر مشکوکی یا استراتژی صادراتی داشتند همان کشورهایی بودند که بیشتر جدی تر از همه تحت تأثیر واقع شدند. رکود طولانی در شمال به شکل اجتنابناپذیری به فروپاشی اقتصادهای صادراتی منتهی شد و در افکار عمومی نیاز به بازسازی بازار داخلی و تجدیدنظر در جهت سرمایه گذاری و تجارت با مخرج کرد که فقط می توانست در صورت یک تغییر و تحول عمیق از سوی طبقات پیرو و دولت تحفظ یابند.

در حال حاضر اشاره به این نکته بسیار مهم است که رکود در ایالات متحده به تعابیرات موناکشی در ایالات متحده شدیداً دامن می زند. بحران همچنین فشارهای حمایت گروایان را در برون مرکز امریکای لاتین تشدید خواهد کرد و این در حالی خواهد بود که کاهش سود به اشتباهی سیری ناپذیر و سرمایه های چند میلیی در بزمن شرکتها و مؤسسات سودآور جدید در امریکای لاتین دامن خواهد زد.

همچنین سرمایه ۶۰۰ میلیارد دلار در سرمایه های برون امریکای لاتین تشدید شده است. مجموعه بی حسابداری نظامی که در صدد افزایش هزینه های نظامی است در تقابل با کلی طبقه حاکم که خواستار کاهش گسترده مالیاتها و بودجه های کمتر هستند قرار گرفته است. سرمایه گذاری ایالات متحده در چین که بالغ بر بیست و دو میلیارد دلار است در تقابل با خواستهای مجموعه صنعتی - نظامی و جناح مافوق رابست است که در جستجوی برابری بخش

بورخودهای نظامی است. رقابت و ادغام سرمایه های اروپایی و ژاپنی تشدید شده است. در حالی که واشینگتن آنها سرمایه روسیه گسترش پیدا کرده و بر خلاف توقعهای برون الحسی در حال ایجاد یک سیستم موشکی جدید است. سرمایه های روسیه با افزایش سرمایه های اقتصادی جدیدی در آسیا روسیه به اعضاء رسانده و مخالف سیستم جدید موشکی است.

منشی یک حاشیه واشینگتن با توجه به توافقنامه گیتو، سرمایه من گداختن گمراهی گمراهی این کشور را از کل قاره اروپا منزوی و



تحمیل توافقنامه AFTA به زیر سؤال برد سیاست پیش در اجرای پروژه در آمریکا از طریق صدور فرمانهای یکجانبه، همپیمانان خود را از خود به بیگانه کردن مخالفتها را رادیکالیزه نکرد و ایالات متحده را در مبارزه گوناگون منزوی ساخت. رکود داخلی و استراژی در آمریکا که حول مفهوم امپریالیزمی مرکزیتش شکل گرفته است از ابزار حیر و خسوف نظیر برنامه کمینا و ابتکار عمل اندی و برنامه‌های جدید نظامی - و انحصار اقتصادی نظیر AFTA استفاده می‌کند.

تعریف نظامی - مرکزیتش واقعیت امریاتی و اتخاذ سبک رویارویی یکجانبه در محقق ساختن اهداف - به تقسیمات دوجین سرمایه‌داری شدت می‌بخشد. تسامحات خصماویالیستی در چین، روسیه، ویتنام و کوبا را تقویت و همزمان انتقادهای بین‌المللی جدیدی نظیر پیوندهای تجاری اروپا - روسیه، بیحان دفاعی روسیه - چین و توافقنامه نظامی روسیه - مکزیک و مکزیک را برمی‌انگیزد. دولت پیش از سیاست مداخله بدون تعصب کنتینن به دان اولویت به کشورهای حوزه خلیج فارس، آمریکای لاتین و آسیای شرقی تمیز منشی داده است. تلاش ایالات متحده برای تسخیر سیاست نوسمرکزیتش AFTA بر آمریکا لاتین امتداد تحلیل‌های اشکالی شناسایی‌ایستی و حرکت تمدنی نیروهای شهری و روستایی را بر سطح اعصاب معده به نظم استخباراتی و رژیمهای تکلیف‌دست‌شده تقویت می‌کند.

ماجرای روسی‌های نظامی جدید و خطرناک خواهد کرد در آمریکای لاتین همپیمانان اصلی واشنگتن، پیروزیست فاسکس در مکزیک و دولت گوناگون وزیر اقتصاد که حافظ رأی اکثریت سیاسی معتمد بر طبل AFTA می‌کوبند. کاروان قبل از آنکه به سمت وزیر منصوب گردد تنها ۱۰ درصد از راه به خود اختصاص داد که آن هم وابسته به یک ائتلاف حزبی ناپایدار در کشور بود. فاسکس در برخورد با بحرانهای اقتصادی عمده با وابستگی کامل به بازار ایالات متحده ترقیب به حضور در عرصه سیاسی شد. وی با روند کاهش اشتغال، افزایش مالیاتها و سقوط درآمدها بسیار سخت خواهد توانست مرکزیک‌ها را در راستای عمیق‌تر کردن وابستگی متقاعد کند. برزیل که مهم‌ترین کشور در توافقنامه باقی‌مانده AFTA محسوب می‌شود چهار لعل به سوی بحران پیش می‌نارد و بخشهای سرمایه‌داری پستروی آن در ساکو پانامو به شکلی عمیق زیرزمین ورود به روابط تجاری مرکزیتش که در آن صادراتشان محدود شده و در خانه‌شان بر روی بازارها گشوده می‌شود مشتاق و مشکوک به نظر می‌رسد. علاوه بر این رشد حزب کارگران سوسیال دموکرات در شهرهای بزرگ و کاهش محبوبیت سرج ریزه کارپوزو علی‌رغم حمایت قدرتمند بخش مالی جایی برای حمایت از توافقنامه AFTA بر جای نمی‌گذارد. رشد MST در برزیل، FARC در کمینا و گسترش جنبشهای مردمی در بولیوی، پاراگوئه و اکوادور می‌تواند قدرت دولتی را به مبارزه طلبیده و

با گروهها داخلی تأثیرگذار بیگانه کرد. و در نهایت منتهی به برنگز ماکن ایالات متحده از دو گیتی اصلی سازمان مسلح شد. حمایت و پشتیبانی از گروه تروریستی آبیلیایی AFTA وضعیت متوازن دست‌شده‌گانش در جمهوری مقدونیه، سرستان و مونته‌نگرو را تهدید می‌کند و همین تثبیت و تحکیم قدرت امپریالی در پانامو را زیر سؤال می‌برد. در حالی که شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده قراردادهای چند میلیارد دلاری سودآوری برای بهره‌برداری از منابع گاز نورستان صعدی منعقد کرده‌اند دولت تروریستی و مورد حمایت آرمن شاورین در اسرائیل به تنشها در کشورهای شرقی عرب‌نشین دامن زد است و در کشورهای حاشیه خلیج فارس و آفریقای شمالی، امپریالیزم با مجموعه مخالفت‌هایی مواجه است که حوزه تأثیرگذاری انحصاری‌اش را از بین برده است.

عراق در لبک عرب و ایک پذیرفته شده است و تحریم هوایی و دریایی را نرسکت است. ایران با اروپا و دیگر طرفداران داخلی تنش و دیگر قراردادهای تجاری به افساد رسانده است. بسی هم پیوندهای اقتصادی خویش را با ایالتها و دیگر کشورهای اروپایی توسعه بخشیده است.

این شکافها در امپریالیزم یا نشانه نوین جهانی عمیق‌تر خواهد شد و سیاست‌گذاران آمریکایی را ناگزیر از قبول بازنگری در جایگاه خویش در صف قدرت و یا دورنگر شدن در